

«مقاله پژوهشی»

واکاوی کشمکش ملکی رودانی‌ها و ابراهیم خان قوام‌الملک با تکیه بر اسناد (۱۳۱۳ تا ۱۳۳۲ ش)

محمد صداقتی^{۱*}، محمد امیر شیخ نوری^۲، عباس اویسی^۳، حسین هژبیران^۴

۱. دانشجوی دکتری تاریخ، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

۲. استاد، گروه تاریخ، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران

۳. استادیار، گروه تاریخ، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

۴. استادیار، گروه تاریخ، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

تاریخ دریافت: (۱۳۹۹/۱۱/۱۱) تاریخ پذیرش: (۱۳۹۹/۰۳/۱۰)

An Analysis of the Civil Conflict Between the Roudanis and Ibrahim Qavam
Al-Mulk Based on Documents (1934-1953)

Mohamad Sedaghati^{1*}, Mohamad Amir Shikhnouri², Abbas Ovaysi³, Hosein Hozhabrian⁴

1. Ph.D. student of History, Payam Nour university, Tehran, Iran

2. Professor in History, Alzahra university, Tehran, Iran

3. Assistant Professor in History, Payam Nour university, Tehran, Iran

4. Assistant Professor in History, Payam Nour university, Tehran, Iran

Received: (30-01-2021)

Accepted: (31-05-2021)

Abstract

From the end of the Qajar dynasty, tax collection was given to the Ghavam-ol-Molk family in some parts of present-day Hormozgan, such as Rudan and Ahmadi, but in 1316, Bandar Abbas, Rudan, and Minab became part of the eighth province with Kerman as its center. From 1313 AH, disputes arose between Ibrahim Khan Qavam and the owners of Rudan over agricultural lands, which lasted for about twenty years. Qavam, based on the tax receipts of Habibullah Khan Qavam, registered all the good lands and even endowments in his name. The owners of Rudan also responded to this action to seek their rights. Thus the twenty-year conflict between the two sides began. This article aims to answer the question of what factors contributed to the prolongation of the legal dispute between Ibrahim Qavam and the owners of Roudani and determine the final result. The data were collected mainly from the Islamic Council Documentation Center (Kamam) and the National Documentation Center (Sakma). Findings show that Ibrahim Ghavam tried to take ownership of the Rudan lands by relying on factors such as influencing the royal court, British support, using the guerrillas of the Fars region and the Taherzai tribe, as well as bribing local officials. But finally, factors such as the fall of the Qavam family's position in the Pahlavi court, the rise of Mossadegh, and the emergence of an anti-British atmosphere, as well as the continuous efforts of the Rhodan people, failed the Qavam family in achieving their goal.

Keywords: Rudan, Qavam al-Molk, Ibrahim Khan Qavam, Mesbahzadeh.

چکیده

از اواخر سلطنت قاجار جمع‌آوری مالیات برخی مناطق هرمزگان فعلی مانند رودان و منطقه احمدی در اختیار خاندان قوام‌الملک قرار گرفت، ولی در تقسیمات کشوری سال ۱۳۱۶ش بندرعباس، رودان و میناب بخشی از استان هشتم با مرکزیت کرمان شد. از سال ۱۳۱۳ش میان ابراهیم خان قوام و مالکین رودان اختلاف نظرهایی در مورد زمین‌های زراعی بروز کرد که حدود بیست سال به طول انجامید. قوام به استناد قبض‌های مالیاتی زمان حبیب‌الله خان قوام‌الملک، تمام زمین‌های مرغوب و حتی موقوفی را به نام خود ثبت نمود. مالکان رودان هم در واکنش به این اقدام دست به شکایت زدند. بنابراین کشمکشی بیست‌ساله میان طرفین آغاز شد. هدف مقاله حاضر پاسخ به این سؤال است که چه عواملی بر طولانی‌شدن دعوی حقوقی ابراهیم قوام و مالکان رودانی مؤثر بود و نتیجه نهایی آن را رقم زد؟ داده‌های پژوهش حاضر عمدتاً از مرکز اسناد شورای اسلامی (کمام)، و مرکز اسناد ملی (ساکما) گردآوری شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که ابراهیم قوام با تکیه بر عواملی چون نفوذ در دربار سلطنتی، حمایت انگلستان، استفاده از چریک‌های منطقه فارس و قبیله طاهرزائی، و همچنین تطمیع مقامات محلی تلاش کرد مالکیت خود بر زمین‌های رودان را تثبیت کند، اما سرانجام عواملی چون سقوط جایگاه خاندان قوام در دربار پهلوی، روی کار آمدن مصدق و ظهور فضای انگلیسی‌ستیزی، و همچنین تلاش‌های بی‌وقفه مردم رودان، خاندان قوام را در دستیابی به هدف خود ناکام گذاشت.

واژه‌های کلیدی: رودان، قوام‌الملک، ابراهیم خان قوام، مصباح‌زاده.

مقدمه

خاندان قوام یکی از قدرتمندترین و پرنفوذترین خاندان‌ها در جنوب ایران به‌ویژه در دوران قاجار و پهلوی بودند. خاندان قوام با استفاده از جایگاه پر قدرت خویش با اقداماتی چون به خدمت گرفتن عشایر محل، اجیر گرفتن تفنگچی و چریک و همچنین تطمیع عمال و مأمورین دولتی موفق شده بودند در جنوب به‌ویژه منطقه نسبتاً حاصلخیز رودان نفوذی کسب کنند ابراهیم‌خان قوام به شرحی که خواهد آمد سعی نمود املاک و زمین‌های رودان (به مساحت تقریبی ۳۵ هزار هکتار شامل پانزده روستای ده گل کن، وزیری، بیکاه، سکل، شه نظری، دهبارز، معزآباد، فاریاب، خیرآباد، بادافشان، گشوئی، کمیز، خراجی، قطب‌آباد سرچوئی تا قسمتی از خراجی، کهنوج بالا و علاوه بر آن منطقه رودخانه و نازدشت و برنطین رودان) را به تملک خود درآورد. بدین‌ترتیب از سال ۱۳۱۳ تا ۱۳۳۲ ش. دوره‌ای از تنش، منازعه و درگیری میان طرفین حاکم بود. در مورد خاندان قوام، نویسندگان عصر قاجار مثل فسایی، خورموجی، عبدالله مستوفی اطلاعات مهمی در اختیار پژوهشگران قرار می‌دهند و از مقالات پژوهشی، مقاله «چند سند تاریخی درباره حبیب‌الله‌خان قوام و اسماعیل‌خان صولت‌الدوله» ابوالقاسم فروزانی و «کنشگری نخبگان محلی در حکمرانی فارس؛ نمونه پژوهی: خاندان مشیرالملک» رنجبر و کشاورز نوشته شده است اما در رابطه با موضوع حاضر تاکنون هیچ پژوهشی صورت نگرفته است. اهمیت پژوهش حاضر جدای از تازگی موضوع، در گشایش جوانبی خاص و محلی از اقدامات ابراهیم قوام است که کمتر مورد توجه قرار گرفته است. طبیعتاً ضرورت تحقیق نیز در همین واقعیت است؛ یعنی روشن ساختن گوشه‌های تاریک که به واسطه محلی بودن کمتر مورد توجه قرار گرفته و در واقع مغفول واقع شده است. پژوهش حاضر با تکیه بر اسناد دست‌اول کتابخانه و مرکز اسناد شورای اسلامی (کمام) و همچنین سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما) در تلاش است علل کشمکش مورد نظر و نتایج حاصل از آن

را تبیین نماید. سؤال پژوهش حاضر این است که علل طولانی شدن کشمکش قوام و رودانی‌ها چه بود و این علل چگونه بر نتیجه نهایی آن تأثیر نهاد؟

پیشینه خاندان قوام

پیشینه سیاسی خاندان قوام‌الملک به قرن هشتم هجری و حضور مؤثر حاجی میرزا حسن قوام شیرازی، جد بزرگ این خاندان در دربار شاه شیخ ابواسحاق اینجو بازمی‌گشت. در دوره نادری نیز حاج هاشم از اعضای این خاندان با پذیرش منصب کلانتری نیمی از محله‌های شیراز وارد امور دیوانی شد (فسایی، ۱۳۶۷، ۲: ۹۶۰؛ رنجبر، ۱۳۹۷: ۷۵-۷۶). ابراهیم‌خان اعتمادالدوله فرزند برجسته او در اواخر زندیه در مقام کلانتری و حکمرانی فارس به کار گرفته شد و اگرچه با قلع و قمع خاندان حاج ابراهیم در اوایل دوره قاجار، آنان به مدت کوتاهی از دایره قدرت اداری و سیاسی فارس خارج شدند، اما در سال ۱۲۴۵ ق میرزا علی‌اکبر، پسر اعتمادالدوله با دریافت لقب قوام‌الملک و منصب کلانتری شیراز، (منصبی شهری که زیر نظر حاکم وظیفه رسیدگی به امور اجتماعی و اقتصادی شهر را انجام می‌داد) قدرتمندانه به عرصه سیاسی فارس بازگشت (خورموجی، ۱۳۴۵، ج ۲: ۳۱۱). از این زمان همراه با منصب کلانتری که بعدها به‌وسیله فرزندان میرزا علی‌اکبر در چهار نسل به ارث برده شد، بدین خاندان تعلق گرفت. آنان علاوه بر کلانتری منصب بیگلربیگی را نیز در اختیار داشتند. این منصب از دوره ایلخانان به بعد در ایران وجود داشت و به امرای سرحدات و امیرالامراها گفته می‌شد اما در دوره‌های مختلف وظایف و اختیارات آنها متفاوت بود. در زمان حاکمیت قاجارها حکام با عناوینی همچون فرمانفرما، والی، بیگلربیگی خوانده می‌شدند (فلاوند و همکاران ۱۳۷۹: ۷). و از اواسط این دوره وظایف و اختیارات بیگلربیگی کمتر شده به مناصب دیگر هم اطلاق می‌شد (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۳: ۳۹۲). زمانی که دکتر هینریش بروگش (شرق‌شناس معروف و سفیر پروس در ایران که از سال ۱۲۳۸ تا ۱۲۴۰ در ایران بود) به شیراز آمد،

گذاشت، اول؛ الفت‌های دوستانه و پیوندهای سببی - نسبی با خاندان‌های مهم دوره قاجار و پهلوی، و دوم؛ ثروت انباشته‌شده سال‌ها دیوانسالاری و زمین‌داری این خاندان. اعضای این خاندان در ادامه موفقیت‌هایشان در جریان جنبش تنباکو و اعتراضات مردم شیراز با حکومت مرکزی همکاری جسورانه‌ای در سرکوب مردم، دستگیری و تبعید فال اسیری داشتند (ساسانی، ۱۳۳۸؛ ۲۱۴-۲۱۳) و بعد انقلاب مشروطه نیز در نظام جدید صاحب موقعیت و قدرت شدند. برای نمونه، ابراهیم‌خان قوام علاوه بر سابقه حاکمیت بر شیراز و فارس مدتی نیز حاکم کرمان بود (کمام، ۲۰۴/۲۹۳/۳۰۵۰). در انتخابات مجلس پنجم کاندید ایلات خمسه شد. هرچند به‌رغم پیروزی در انتخابات، از رفتن به پارلمان انصراف داد. (مشروح مذاکرات مجلس، دوره ۵، جلسه ۸). با این حال او در دوره ششم، هفتم و هشتم نماینده فارس، (مشروح مذاکرات مجلس، دوره ۶، جلسه ۳؛ دوره ۷، جلسه ۳؛ دوره ۷، جلسه ۳؛ دوره ۸، جلسه ۳۵) و در دوره نهم به پشتوانه سابقه حکومت در کرمان، نمایندگی بلوچستان و فهرج را برعهده داشت (مشروح مذاکرات مجلس، دوره ۹، جلسه ۲). از مشروح مذاکرات مجلس روشن می‌شود که وی در اکثر جلسات جزء «غایبین یا دیرآمدگان بی‌اجازه» بوده است که این امر نشان از بی‌مسئولیتی و عدم تعهد به حوزه انتخابیه‌اش دارد. مدتی هم در قامت سناتور در عرصه سیاسی حضور داشت و بعدها در ملاقاتی که با بعضی مالکان رودان داشت، نمایندگی مجلس را دور از شأن خود قلمداد کرده و «خود را نماینده‌ساز» می‌دانست (پاکدل، ۱۳۱۱، مصاحبه، شهریور ۱۳۹۳؛ اتحادی، ۱۳۱۵، مصاحبه، تیر ۱۳۹۳؛ حقیقی، ۱۳۲۴، مصاحبه، فروردین ۱۳۹۹).

۲. پیوند با دربار: سابقه پیوند خاندان قوام با دربار به دوره قاجاریه و ازدواج فتحعلی خان صاحب‌دیوان با دختر فتحعلیشاه قاجار بازمی‌گردد (خورموجی، ۱۳۴۵، ج ۲؛ ۳۱۲-۳۱۳). در دوره رضاشاه استقلال عمل ابراهیم‌خان در فارس، و ارتباط صمیمانه‌اش با انگلیسی‌ها، سوءظن و غضب رضاشاه را برانگیخت و در دومین سال مجلس نهم

درحالی‌که حاجی علی‌اکبر قوام بیگلربیگی فارس بود طبق عقیده بروگش او چهارمین مقام رسمی فارس و به‌ترتیب بعد از «وزیردولت، وزیر شاهزاده، والی فارس» قرار داشت. بیگلربیگی را سِمَتی هم‌تراز شهرداران اروپایی با اختیارات تام معرفی می‌کند. ازجمله وظایف مهم این مقام را جمع‌آوری مالیات ایالات و پرداخت آن به دولت می‌داند (بروگش، ۱۳۶۷، ج ۲: ۴۷۹) از تشریح قدرت قوام در فارس توسط بروگش به نظر می‌رسد بیگلربیگی فارس بر نظامیان هم سلطه داشته است و از ابزار کنترل لوطیان در جهت منافع خود استفاده می‌کرد. در آن زمان حاجی قوام چنان ثروت اندوخته بود که ۱۰۴ پارچه آبادی در نقاط مختلف فارس متعلق به او بود (بروگش، ۱۳۶۷، ج ۲: ۴۷۹-۴۸۰) خاندان قوام خاستگاه شهری داشتند اما منبع اصلی قدرت خاندان تسلط بر بخشی از ایلات فارس به‌ویژه اعراب بود (ساسانی، ۱۳۳۸: ۲۱۵). حکومت قاجار در سال‌های منتهی به برقراری مشروطه برای ایجاد موازنه قدرت در فارس و کاهش قدرت قشقایی‌ها، اتحادیه ایلی خمسه را به رهبری خاندان قوام‌الملک تأسیس کرد و میرزاعلی محمدخان قوام‌الملک نخستین رئیس ایل خمسه شد (فسایی، ۱۳۶۷: ۹۶۷؛ آبراهامیان، ۱۳۹۰: ۶۵). خاندان قوام آن‌چنان‌که خواهد آمد در دوران پهلوی‌ها نیز کماکان جایگاه سابق را حفظ کردند و قدرت آنان به‌ویژه به‌واسطه پیوند سببی با دربار پهلوی و همچنین راه‌یابی به مجلس سنا دچار فصل جدیدی شد.

منابع قدرت خاندان قوام

قدرت خاندان قوام بر سه پایه استوار بود:

۱. دیوانسالاری ریشه‌دار ۲. پیوند با دربار ۳. ارتباط با انگلیسی‌ها

۱. دیوانسالاری ریشه‌دار: حکومت ۲۰۰ ساله خاندان قوام‌الملک در فارس، آن‌ها را در ردیف باسابقه‌ترین خاندان دیوانسالار خطه جنوب قرار می‌دهد. حاصل سال‌ها صدرنشینی خاندان قوام در فارس، دو میراث بزرگ برای ابراهیم‌خان قوام (آخرین قوام‌الملک شیراز) به یادگار

خود بعد از غضب فتحعلی‌شاه انگیزه لازم در جلب حامی خارجی را داشتند.

یکی دیگر از دلایل پناه آوردن خاندان قوام به انگلیسی‌ها، موقعیت شکننده آنان در فارس بود. خاندان قوام در شیراز از حمایت پنج محله حیدری برخوردار بود. در مقابل، پنج محله نعمتی آن شهر به شدت با آنان مخالف بودند. یهودیان که بعضی از منابع، اجداد متأخر قوام‌ها را هم‌کیش با آن‌ها می‌دانند (مستوفی، ۱۳۲۲: ۲۰)، از دوستی با خاندان قوام بهره‌مند بودند. در سطح استان فارس ناصرخان قشقایی رقیب ابراهیم‌خان و شخصیتی ضد انگلیسی داشت (فوران، ۱۳۸۷: ۴۱۸) قشقایی‌ها همراه با قبایل کوچکی که در گذشته طرفدار سلسله زندیه بودند در کنار بختیاری‌ها و بویراحمندی‌ها در جبهه مخالف قوام و انگلیسی‌ها قرار داشتند (آبراهامیان، ۱۳۹۰: ۶۵)، دشمنی‌ها میان خاندان قوام و قشقایی‌ها فرازوفرودهایی از سر گذراند. گاهی سعی داشتند با ایجاد پیوندهای خانوادگی کدورت‌ها را برطرف کنند (فسایی، ۱۳۳۸، ج ۱: ۷۶۲). در یک مورد از این درگیری‌ها در سال ۱۲۹۰ شمسی که قشقایی‌ها بخشی از شیراز را گرفتند، قوام‌الملک وقت شیراز مجبور شد به کنسولگری انگلیس پناهنده شود. در این حادثه برادرش را کشتند و خانه‌اش را آتش زدند (آبراهامیان، ۱۳۷۹: ۱۳۹). بنابراین دلیل دوم پناه آوردن خاندان قوام به انگلیسی‌ها مقابله با دشمنانشان در فارس بود. دوره پهلوی اول هم قشقایی‌ها در شمار دشمنان شاه بودند (آوری، ۱۳۶۰: ج ۲: ۱۹۷) و قوام همان نقش اواخر قاجار خود را بازی می‌کرد.

آغاز کشمکش‌های مالکان رودان و ابراهیم‌خان قوام

از اواسط سلطنت ناصرالدین‌شاه، بندرعباس و میناب تابع اداره بنادر جنوب با مرکزیت بوشهر و آنجا نیز جمعی ایالت فارس بود (کمام، ۵۷/۹/۲/۶). اداره سبعة مشتمل بر هفت بلوک (۱. بلوک ایسین و تازیان، ۲. بیونج، ۳. خشن‌آباد، ۴. طارم، ۵. فارغان، ۶. فین، ۷. گله‌گاه (گله‌دار) بعدها ایسین و تازیان به بندرعباس ضمیمه شد و فرگ به سبعة اضافه شد) از ۱۲۶۴ق یعنی اواخر سلطنت نادرشاه تا پیش

(آذر ۱۳۱۲) به زندان افکنده شد. اما با خروج از زندان بار دیگر ستاره اقبالش درخشیدن گرفت، تا آنجا که رضاشاه از دخترش اشرف خواست تا با علی‌محمد قوام ازدواج کند. به نظر می‌رسد رضاشاه بعد از عفو ابراهیم‌خان، ضمن دلجویی در نظر داشت از وفاداری خاندان قوام مطمئن باشد. در همین راستا به شوکت‌الملک، از چهره‌های موجه و مورداطمینان دربار، پیشنهاد کرد زمینه‌های ازدواج فرزندش، امیر اسدالله علم با ملک‌تاج دختر قوام‌الملک را هموار سازد. این ازدواج‌ها موقعیت قوام را در واپسین سال‌های حکومت رضاشاه مستحکم ساخت؛ دو ازدواجی که خاندان قوام را به منبع قدرت وصل کرد؛ به طوری که در آخرین سال‌های حکومت رضاشاه، علی قوام عامل ارتباط قوام و اسدالله علم با دربار بود. ابراهیم‌خان بعد از ازدواج پسرش با دختر رضاشاه به پشتوانه موقعیت جدید، تصمیم گرفت مالکیت خود بر منطقه رودان، رودخانه و احمدی را تثبیت نماید. او با زیرکی و درایت خاصی توانست این سه منطقه را در اداره ثبت کرمان که خاندان او سابقه نفوذ و حکومت در آنجا را نیز داشتند به ثبت برساند (کمام، ۲۰۴/۲/۲۹۳).

۳. ارتباط با انگلیسی‌ها: در ایران برخلاف اروپا مالکیت اشخاص بر زمین مصونیت نداشت. سلطان یعنی کسی که بر جان و مال و ناموس مردم (رعیت) سلطه داشت، می‌توانست با اشاره‌ای کلیه دارایی‌های فرد و حتی جانش را نیز از وی بگیرد. از سلطنت ناصرالدین‌شاه به بعد خوانین، اشراف، وزراء و دیوانسالاران برای مصون ماندن از تعدیات قدرت بی‌منزاع شاه، املاک خود را به‌عنوان ضمانت وام گرفته شده از بانک شاهنشاهی (انگلیس) یا بانک استقراضی (روسیه) قرار می‌دادند تا پادشاه نتواند اموالشان را مصادره کند. آن‌ها برای تأمین جان خود نیز تحت‌الحماگی یکی از کشورهای بیگانه (روس و انگلیس و عثمانی) را می‌پذیرفتند. روس و انگلیس در قبال حمایت از چنین کسانی انتظار داشتند از نفوذ آنان در راستای منافع خود بهره گیرند و در کسب امتیازات مختلف تجاری و اقتصادی از ایران آنان را یاری دهند. به نظر می‌رسد خاندان قوام بعد از تجربه تلخ کشتار دسته‌جمعی

شش‌دانگ املاک رودان موروثی میرزا حبیب‌الله خان قوام است و رودانی‌ها طی مسافرت حبیب‌الله خان قوام به اروپا و غیبت او، عدواناً بر املاک مزبور استیلا یافته و از خلع ید امتناع دارند. وکیل قوام خواستار خلع ید کردن رودان از دست تصرف‌کنندگان و تحویل به قوام و پرداخت اجرت‌المثل تا زمان تخلیه ملک، و همچنین پرداخت هزینه محاکمه و حق وکیل تا زمان پایان یافتن حکم دادگاه بود.

استنادات وکیل قوام مبنی بر مالکیت بر رودان

اسناد و اوراقی که به دادگاه ارائه می‌دهد و پیوست شکایت‌نامه هستند شامل موارد زیرند:

۱. یک نسخه رونوشت برابر با اصل تقسیم‌نامه املاک حبیب‌الله خان قوام که از متصرفات قدیمی و مستمر و مالکانه حبیب‌الله خان قوام که به ابراهیم‌خان به ارث رسیده است.

۲. رونوشت برابر با اصل که بزرگان و رجال موثق فارس و بندرعباس تأیید و شهادت داده‌اند که رودان از تصرفات قدیم و مالکانه حبیب‌الله خان تا زمان فوت بود و بعد متصرفات مالکانه موکل اینجانب بوده تا زمانی که افراد نامبرده بر زمین‌های رودان مسلط شده‌اند (دو نسخه).

۳. رونوشت برابر با اصل ورقه قبول اجاره‌نامه مورخه ۱۳۴۳ ه.ق [۱۳۰۳ه ش]

۴. رونوشت تأیید شده گزارش اداره مالیه ایالتی فارس به وزارت مالیه و نامه‌های وزارت مالیه به شریعت‌زاده [احتمالاً پدر وکیل این پرونده] مبنی بر سابقه تصرف مالکانه قوام‌الملک (دو نسخه)

۵. اطلاعات معاریف و معتمدین اهالی [رودان] و شیراز دائر بر تصرف مالکانه قدیم و مستمر قوام‌الملک در واقع درخواست راستی‌آزمایی استنادات را نموده است (نکته حائز اهمیت این است که قوام مورد حمایت بعضی از افراد در رودان نیز بوده است و احتمالاً حاضر بودند به نفع قوام شهادت دهند).

صدسال در اختیار سلسله خوانین لار بود (فسایی، ۱۳۳۸: ج ۱: ۳۹۲) اما با روی کار آمدن قوام‌الملک‌های شیراز به‌ویژه در زمان حبیب‌الله خان و ابراهیم‌خان قوام کل سבעه و رودان و احمدی در اختیار قوام‌های شیراز قرار گرفت (کمام. ۵۷/۶/۲/۶). مصباح‌الدیوان اوزی کلانتر کل سابعه، (کمام. ۵۷/۹/۲/۶) با تعیین هفت کلانتر به میل قوام جمع‌آوری مالیات و اداره آنجا را به‌عهده داشت. از اواسط سلطنت ناصرالدین‌شاه به بعد بوشهر، مقر حکومت بنادر جنوب در اختیار خانواده شاهزاده حسام‌السلطنه قرار داشت و آنجا را به یکی از رجال اجاره می‌دادند (سدیدالسلطنه، ۱۳۶۲: ۱۶). در تقسیمات کشوری ۱۳۱۶ ش. رودان، میناب و شهرستان بندرعباس در استان هشتم با مرکزیت کرمان قرار گرفتند (مشروح مذاکرات مجلس، دوره ۱۱، جلسه ۲۰ و جلسه ۲۱؛ مرکز آمار ۱۳۴۰؛ ۵). در سال ۱۳۲۵ ش رودان بین پانزده تا بیست‌هزار نفر جمعیت، و حدود یک میلیون درخت نخل و سی‌هزار درخت لیمو داشت (کمام ۱۴/ ۳۵/ ۲۰۳). مالیات‌های این ناحیه براساس تعداد درختان مشخص می‌شد. قبوضات و مراسلات مالیاتی با امضاء و مهر قوام‌الملک و مأمورینش به‌عنوان اسناد مورد استفاده در این مناقشه مورد استناد دو طرف دعوا قرار می‌گرفت. اما به‌زودی اختلاف‌نظری بروز نمود که سرآغازی برای یک دوره پرتنش میان قوام و رودانی‌ها شد. این اختلاف‌نظر از آنجا ناشی می‌شد که قوام قبوض و مراسلات مالیاتی را که به امضاء خود یا پدرش رسیده بود، اسناد و مدارکی دال بر سهم مالکانه خود به‌حساب می‌آورد، حال آنکه رودانی‌ها آن را اسناد مالیاتی صرف قلمداد می‌کردند. در پی این اختلاف‌نظرها، قوام شکوائیه‌ای علیه رودانی‌ها تنظیم، و تسلیم دادگاه بندرعباس کرد.

شکوائیه را نوپور اشرفی وکیل ابراهیم‌خان در ۳۰ اسفند ۱۳۱۳ علیه شش نفر از مالکان رودان تنظیم و در دادگاه بندرعباس به ثبت رساند. ابراهیم‌خان قوام، به وکالت از پدرش حبیب‌الله خان، مدعی شده بود که افراد مورد بحث به‌عنوان مؤجر مبلغ یکصد و شصت‌هزار تومان به او بدهکارند. وکیل قوام مدعی بود براساس اسناد و ادله قطعی

۶. یک نسخه رونوشت برابر با اصل تلگراف شماره ۹ مورخه ۱۳۰۹/۹/۸ به مستعلی امیری.

وکیل قوام ادله دیگری نیز مطرح کرده است مثل؛ الف) «در آرشیو اداره مالیه بنادر و آرشیو اداره مالیه ایالتی شیراز پر از سوابق، اسناد و اطلاعات و گزارش‌های رسمی که هر یک از آنها تأیید می‌کند که مالک تصرفات مالکانه حبیب‌الله خان است»، از دادگاه می‌خواهد طبق ماده ۸۱ قانون از ادارات مذکور بخواهد اسناد را در اختیار آنها قرار دهند. ب) «تلگرافات مبادله [شده] بین رعایا و مباشرین و مستأجرین سابق و اشخاص که از مستأجرین برای تأمین پرداخت مال‌الاجاره ضمانت کرده‌اند. چون وصول تلگراف مزبور به واسطه تغییر محل اقامت و مسافرت‌های قوام‌الملک در دسترس نیست. ... تقاضا می‌شود که به موجب آن از تلگراف‌خانه‌های بندرعباس و شیراز سواد تلگراف‌ها را گرفته و به دادگاه ارائه شود». دادخواست که یک روز قبل نوشته شده، در ۱۳۱۳/۱۲/۳۰ در دفتر دادگاه بندرعباس ثبت شده است (کمام. ۱۵/۲/۲۴/۶۵ - سند شماره ۴۰ - کمام. ۱۳/۲/۹/۱۹۴).

ابلاغیه دادگاه مبنی بر شکایت وکیل قوام از مستعلی امیری و پنج مالک دیگر در ۱۳۱۴/۱/۱۹ به آنان ابلاغ گردید (کمام. ۱۵/۲/۲۴/۶۵). در نامه‌ای که مالکین رودان در واکنش به ادعاهای وکیل قوام نوشتند ضمن تکذیب ادعاهای مطرح شده، خواستار ابطال شکایت وی شده بودند. (کمام. ۱۵/۲/۲۴/۶۵). اصل رأی دادگاه در میان اسناد وجود ندارد اما مشخص است که رأی دادگاه بدوی به نفع قوام صادر شد و کشمکش بین طرفین ادامه پیدا کرد.

در ۱۳۱۸/۹/۲۱ پانزده روستای ده گل کن، وزیری، بیکاه، سکل، شه‌نظری، دهبازر، معزآباد، فاریاب، خیرآباد، بادافشان، گشوئیه، کمیز، خراجی، قطب‌آباد سرجوئیه تا قسمتی از خراجی، کهنوج بالا در دفتر اسناد رسمی به نام قوام ثبت شده بود (اصل مصالحه‌نامه ۱۳۳۲، ضمیمه شماره ۲۰) و احتمالاً رودخانه و نازدشت و برنطین نیز در همان سال ثبت شد. شرح ماجرا از زبان مالکان رودانی این بود که نماینده قوام موسوم به قاسم نام‌آور، قبل از آنکه

مردم رودان از موضوع اطلاع پیدا کنند همراه با هرندی، رئیس ثبت استان کرمان وارد بندرعباس شده و املاک را به نام قوام ثبت نمودند و بعد از اتمام کار، به مالکان رودان اطلاع دادند چنانچه اعتراضی دارند به دادگاه شکایت ببرند. مردم در واکنش به این رویداد، در نامه‌هایی به شاه و مجلس نوشتند: «... انصاف بدهید مالکین رودان کجا از عهده سؤال و جواب با وکلاء قوام که بر قانون آگاه و اشراف دارند برمی‌آیند. [آنها] جرئت ایستادگی در برابر قوام را ندارند و به محض شنیدن نام قوام مرتعش و لرزه بر اندام آنها می‌افتند!» (کمام. ۱۶/۲۴/۶۲/۲۱) از محتوای اسناد چنین برمی‌آید که ابراهیم قوام از مدت‌ها قبل مدارک لازم را فراهم کرده بود. برای اینکه مالکیت او جنبه قانونی داشته باشد، قطعاتی از زمین‌ها را فروخته بود و یا هبه‌نامه، اجاره‌نامه و تقسیم‌نامه‌هایی که در دست داشت همراه با نوشته‌های مالیاتی که امضاء آباء و اجداد خود بر آن داشت و همچنین قبوضات مالیاتی دولتی را که از مالکان رودانی گرفته بود نشانه سهم مالکانه خود می‌دانست (کمام. ۱۷/۲۴/۲/۶۵). مردم آن‌گونه که اداره ثبت بندرعباس اعلام کرده بود اعتراضات خود را تسلیم دادگاه کردند. چندی بعد فرمانده نظامی کهنوج و سروان میرحسینی از میناب و ستوان یکم ودی، احتمالاً به تحریک قوام عازم رودان شدند. آنان بعد از ورود به رودان شخصیت‌هایی چون غلامحسین حقیقی، عبدالله قدسی و سید نعمت‌الله سجادی لاری را که از پرچم‌داران مخالفت با قوام بودند دستگیر کرده، و با خود به کرمان بردند و یک سال در آنجا زندانی کردند. کمی بعد غلامحسین حقیقی و مستعلی امیری را به تهران انتقال دادند و در این زمان قوام از آنها ورقه غارس - رعیتی گرفت (کمام. ۱۳/۳۴/۷۳).

چگونگی ثبت زمین‌های رودان

احمد امیری رودانی، در تظلم‌نامه‌ای که به نمایندگی از مالکان رودان و دیگر کسانی که با قوام دعوای حقوقی داشتند، خطاب به شاه و مجلس نوشته از «غصب رودان» توسط قوام سخن گفته و ماجرا را چنین روایت کرده است:

است: «در این موقع که سهراب گواری (کواری) نماینده قوام عازم رودان می‌گردد، مقتضی است با مشارالیه کمال مساعدت مرعی داشته که بتواند در پیشرفت امور مربوط و انجام کارهای محوله موفقیت حاصل نماید!» (کمام، ۱۷/۶۵/۲/۲۴). توصیه به مساعدت نمایندگان اعزامی قوام، کار را بر مالکان رودانی سخت‌تر کرد. غیر از چریک‌های مسلح اعزامی که هرازگاهی از فارس اعزام می‌شدند، قبیله بلوچ طاهرزایی^۱ ساکن اطراف میناب در پیشبرد اهداف قوام در رودان بیشترین نقش را داشتند. آن‌ها با همکاری عباس شکرپور که از طرف مادر خویشاوند این طایفه بود دستورات ابراهیم‌خان قوام را پیش می‌بردند (کمام، ۱۷/۶۵/۲/۲۴؛ شکرپور، ۱۳۰۹، تیر ۱۳۹۹).

از میان اسناد موجود در مرکز اسناد مجلس نامه تایپ‌شده چهارصفحه‌ای وجود دارد (سندی که در سطور قبل نیز بدان اشاره شد) نامه به شاه و مجلس ارسال شده، نویسنده نامه احمد امیری رودانی، (پسر مستعلی امیری) ساکن میناب است. او خود را نماینده مالکین رودان و از کسانی که خانواده او مورد آزار و اذیت قوام قرار گرفته معرفی می‌کند. این نامه مفصل که در تاریخ ۱۳۲۸/۱/۸ یعنی اوج کشاکش رودانی‌ها و قوام نوشته شده، روایت کامل اما جانبدارانه از آغاز درگیری تا زمان نگارش نامه که بیش از یک دهه گذشته، ارائه می‌دهد. چنین حوادث و محتوای نامه به قاعده معمول چنین نامه‌هایی آکنده از مظلوم‌نمایی و تلاش در اثبات حقانیت خود است. از محتوای نامه مشخص است که؛ اول: با مشورت چند نفر من جمله وکیلی مجرب نوشته شده است و دوم اینکه: در طی این یازده سال به کمک متنفذین منطقه به بعضی از اسناد دسترسی پیدا کرده و نقش بعضی از اشخاص روشن‌تر شده است. احمد امیری در روایت خود از

«قوام با مکر و حيله در فروردین ۱۳۱۷ با اینکه رودان جزئی از شهرستان بندرعباس و میناب بود، اقدام به ثبت شش‌دانگ رودان نمود. تا آن زمان مأمورین ثبت اصلاً به رودان نیامده بودند. در هیچ نقطه‌ای از شهرستان بندرعباس ابلاغیه ثبتی منتشر نشده بود با این حال در حرکتی کاملاً ناگهانی یک مأمور ثبت به نام احمدی وارد رودان شد و مالکین را احضار کرده و حدود املاک و روستاها را به نام مالکین معترض در یادداشت‌های رسمی ثبتی یادداشت کرده و به امضاء تعدادی از مالکین رساند تا در میناب برای اطلاع مالکین آگهی منتشر نماید و مالکین به اخذ اوراق اظهارنامه و تنظیم آن مبادرت نمایند. مأمور نامبرده بدون آنکه در میناب آگهی منتشر کند به کرمان رفت و حدود رودان را برای اخذ جایزه به قوام هدیه داد» (کمام، ۱۷/۶۵/۲/۲۴). در اقدام بعدی، قشون دولتی برای مقابله با ناآرامی‌های احتمالی و اعتراضات مالکان، وارد عمل شدند. سرتیپ سیاه‌پوش فرمانده لشکر هفت کرمان به منطقه اعزام شد و از طرفی دیگر سهراب کواری با همراهی چریک‌های فارس وارد رودان و میناب شدند. اقداماتی انجام گرفت که مالکین رودانی از آن با عنوان اغراق‌آمیز «چپاول و قتل و غارت و تبعید مالکین» یاد می‌کنند. واکاوی بعضی از اسناد نشان می‌دهد هماهنگی‌هایی برای تحقق اهداف قوام صورت گرفته بود. برای نمونه در دستور شماره ۱۳۱۰۴/۱۳۱۷/۴/۵-ستاد ارتش که با امضاء سرلشکر ضرغامی خطاب به تیپ کرمان ابلاغ شده آمده است: «از آنجاکه آقای قاسم نام‌آور نماینده جناب قوام برای ثبت رسانیدن رودان به میناب خواهد آمد، در موقع لزوم با مشارالیه مساعدت‌های لازم معمول دارند.» در دستور دیگری با امضای سرتیپ سیاه‌پوش به شماره ۱۴۳۳۶۲۳۵۰۷/۱۳۱۷/۵/۹ از تیپ کرمان به میناب آمده

۱. منفی از قبیله ارائه داده شده است. دیگر گروه مسلح که در رودان، میناب تا جاسک و حتی جنوب کرمان معمولاً به غارت اموال و اسارت زنان و کودکان اقدام می‌کردند، اعضای بعضی از قبایل ساکن بشاگرد بودند که هرازگاهی شبانه بر سکنه رودان دستبرد می‌زدند. این دو گروه معمولاً رقیب هم بودند.

۱. رئیس طایفه در این زمان علی جلال نیکخواه بود. البته در کارنامه طایفه مذکور و علی جلال همکاری با حکومت و انگلیسی‌ها در پایان دادن به آدم‌ربایی و برقراری امنیت در سال‌های بعد به‌عنوان یکی از خدمات غیرقابل‌انکار و ارزشمند آن‌ها نیز ثبت است (شهباز، ۱۳۷۷: ۳۳۹). اما در جریان رویارویی مردم رودان با قوام به خاطر اینکه مجری خواسته‌های قوام بودند در اسناد موجود که متعلق به مالکان رودانی است تصویری

به معترضین شد. دادگستری نیز محمد فیروز را مأمور ابلاغ حکم به معترضین کرد. او در ۱۷/۱۲/۶ گزارش می‌دهد که مأموریت محوله را به انجام رسانده است. (کمام. ۶۵/۲/۲۴/۱۷). یکی از استدلال‌های معترضین این است که رأی که در دوم اسفند صادر شده چگونه با وسایل مرسوم سفر آن زمان (اسب و شتر)، در مدت چهار روز به رؤیت مالکین مناطق مختلف رودان رسانده و برگشته است؟ مالکان ادعای رفتن محمد فیروز به رودان و ملاقات با مالکان را غیرممکن می‌دانند. پیشکار قوام نیز ادعا کرده بود که در آن چند روز با ۱۱۸ تن از معترضین رودان ملاقات کرده و حکم دادگاه را به آنان ابلاغ کرده است حال آنکه به باور رودانی‌ها اولاً ۶۸ نفر از این افراد جزء معترضین نبودند و ثانیاً اسامی سایرین (۵۰ نفر دیگر) هم جعلی است و حتی بر فرض درستی، باز ۲۶۹ نفر معترض دیگر وجود داشتند که با آنان ملاقات صورت نگرفته و حکم دادگاه به آنان ابلاغ نشده بود. احمد امیری در پایان تظلم‌نامه خود نقش قوام در «جلای وطن و آوارگی عده‌ای از مردم رودان به خاطر بی‌رحمی عمال سفاک قوام» چنانکه روال معمول این‌گونه نامه‌هاست با اغراق زیاد خطاب به شاه می‌نویسد:

«شاه را به بُود از طاعت صدساله زهد

قدر یک ساعت عمری که در او داد کند»

(کمام. ۶۵/۲/۲۴/۱۷).

تشدید مخالفت‌ها

اگرچه قوام موفق شد برنامه‌های خود را عملی سازد اما رودانی‌ها به‌طور کامل تسلیم نشدند و ازجمله نتایج اعتراضات آنان ماجرای عاشورای خونین اسفند سال ۱۳۱۷ بود. اکثر مردمی که در این روز به مسلسل بسته شدند از روستای بیکاه آمده بودند. این افراد که در اعتراض به دستگیری عبدالله قدسی - روحانی موجه رودان - تجمع

چگونگی تثبیت مالکیت قوام بر اراضی رودان، به یک نامه محرمانه دولتی مربوط به نیمه دوم مهر ۱۳۱۷ از میناب به دفتر آجودانی تیپ کرمان استناد می‌کند. نویسنده در این نامه به اقدامات سهراب کواری، نماینده قوام، اشاره می‌کند که مالکان رودانی چون غلامحسین حقیقی، سجادی، و قدسی را برای جلوگیری از اخلاص احتمالی در رودان، با خود به میناب آورده و سپس آن‌ها را به کرمان اعزام کرده بودند. کواری اینک در نظر داشت با نیروهایی که در اختیارش قرار داده شده بود (هشت سرباز و یک گروهبان) محصول خرما رودان را جمع‌آوری کند. «منطقه مورد بحث وسیع و قریب به بیست هزار نفر سکنه داشت که گرچه مسلح نبودند با این حال امکان داشت مشکلاتی ایجاد کنند». از این رو نویسنده نامه از آجودانی تیپ کرمان کسب تکلیف کرده بود که «در صورت بروز مشکلات ناخواسته تکلیف سربازان مأمور چی است؟ آیا باید به قوه قهریه متوسل شوند یا خیر؟» (کمام. ۶۵/۲/۲۴/۱۷). این هماهنگی‌ها در حالی صورت می‌گرفت که به علت نفوذ قوام، شکایات مالکین رودان راه به جایی نبرد. از دیگر اقدامات قوام ثبت املاک وقفی رودان بود که در این رابطه حتی املاک وقفی امام حسین (ع) را نیز مستثنی نکرد. این املاک وقفی که عواید آن قبلاً در خود رودان به مصرف خیریه می‌رسید، در سال‌های منتهی به ثبت املاک توسط اداره اوقاف میناب جمع‌آوری می‌شد. قوام این املاک را که درآمد سالانه آن یکصد و پنجاه هزار ریال بود، به نام املاک خالصه رودان تصاحب کرد. نفوذ قوام اداره اوقاف را بر آن داشت شکایت خود را پس گرفته و با اقدام قوام کنار آید. (کمام. ۶۵/۲/۲۴/۱۷).

اداره ثبت کرمان که قبلاً اعتراض ۳۱۹ نفر از مالکین رودان را به دادگاه بندرعباس ارجاع داده بود اینک از اقدام خود نادم گشته و دستور داد که حدود رودان را مشخص کنند. رئیس دادگاه بندرعباس محمد امین بدون مراجعه به معترضین، در نامه شماره ۱۵۱ به تاریخ ۱۳۱۷/۱۱/۲۴ رأی بر اسقاط دادخواست معترضین رودان صادر کرد. چند روز بعد در ۱۳۱۷/۱۲/۲ پیشکار قوام خواستار ابلاغ رأی صادره

جنوب از قدرت فراوانی برخوردار بودند و به‌ویژه ابراهیم‌خان قوام به برکت پیوند سببی با خاندان شاهنشاهی طی سال‌های ۱۳۱۴ تا ۱۳۲۰ ش. در اوج قدرت خود قرار داشت. علاوه بر این، قوام با تکیه بر ثروت هنگفت خود نیروهای چریک مزدور منطقه‌ای را به خدمت گرفته بود. طایفه بلوچ طاهرزائی و بعضی افراد ساکن رودان نیز با قوام همراهی می‌کردند. در نتیجه چنین وضعیتی بود که وقتی دادگاه بندرعباس به معترضین اعلام کرد چنانچه علیه قوام اعتراضی دارند شکایات و قباله‌جات قدیمی یا بخشش‌نامه‌ها و وقفنامه‌های خود را به‌عنوان سند مالکیت به دادگاه ارائه دهند، اکثر افراد با اینکه چنین مستندات را در دست داشتند، برای جلوگیری از تصادم با قوام و عمال و هوادارانش صلاح خود را در سکوت و سازگاری در برابر وضعیت موجود دیدند. در نتیجه چنین انفعالاتی طولی نکشید اختلافات به نفع قوام پایان یافت و زمین‌داران تا سال‌ها بعد سکوت پیشه کردند (حقیقی، ۱۳۲۴، مصاحبه، فروردین ۱۳۹۹).

پیامدهای سقوط رضاشاه بر جایگاه قوام

با پایان حکومت رضاشاه و خروج وی از ایران، جایگاه و نفوذ قوام تا اندازه‌ای متزلزل شد زیرا آن‌گونه که اشاره شد یکی از منابع قدرت قوام پیوند سببی علی قوام با دربار شاهنشاهی بود و اشرف که از ترس رضاشاه تا آن زمان زندگی با علی قوام را ادامه داده بود اینک خود را از قید ازدواج با علی قوام رها کنید، هرچند ارتباط خاندان قوام با دربار از طریق داماد قوام که مسئول املاک پهلوی بود ادامه یافت. در نتیجه سقوط رضاشاه و تضعیف نفوذ قوام در دربار، در حدفاصل شهریور ۱۳۲۰ تا دی‌ماه ۱۳۲۸ تلاش، اعتراضات و شاید امید مردم رودان به پیروزی بیشتر شد. یکی از درخواست‌های ملاکین این بود که همان‌گونه که املاک رضاشاه طبق مصوبه مجلس سیزدهم به صاحبان قبلی واگذار شده بود، مشخصاً از مجلس ۱۵ هم تقاضای تصویب

کرده و خواستار آزادی وی بودند به رگبار بسته شدند.^۱ (پاکدل ۱۳۱۱، مصاحبه، شهریور ۱۳۹۳؛ حقیقی^۲ ۱۳۲۴، مصاحبه، فروردین ۱۳۹۹) با بررسی اسناد و مکاتبات مربوط به شکایات رودانی‌ها در این ایام روشن می‌شود که نظامیانی چون ستوان قابوس، ستوان ودی و محمدابراهیم ادهمی کرمانی که تحت فرمان سرتیپ سپاه‌پوش فرمانده لشکر کرمان عمل می‌کردند، همراه با سهراب کواری سردسته چریک‌های فارس و حشمت راد در این حادثه نقش داشتند (کمام. ۱۳۳/۳۲/۱۳؛ کمام. ۶۵/۲/۲۴/۱۷). شمار قربانیان این واقعه ۶۰ نفر ذکر شده است (کمام. ۶۵/۲/۲۴/۱۷؛ کمام. ۷۳/۳۴/۱۳). طبق نامه عبدالله قدسی به مجلس شورای ملی، در این واقعه ۲۴ نفر زن و بچه شیرخواره آماج گلوله قرار گرفتند. (کمام. ۲۰۳/۳۵/۱۴) اما آمار ۶۰ یا ۲۴ نفر کشته و زخمی صحت ندارد، زیرا بعضی از معمرین رودان آمار کشته‌شدگان این حادثه را تنها دو نفر ذکر می‌کنند که یک نفر از آنان زن بود (پاکدل ۱۳۱۱، مصاحبه، شهریور ۱۳۹۳).

ملاکان رودانی در واکنش به این اقدامات تصمیم گرفتند رودانی‌های ساکن شهرهای مختلف را تشویق کنند با ارسال تلگراف و نامه اعتراضی به مجلس شورای ملی، دولت و روزنامه‌های معتبر و بالاترین مقام کشور یعنی شاهنشاه، مخالفت خود را نشان دهند. در نتیجه این تصمیم به‌زودی از شهرهایی مثل بندرعباس، میناب، کرمان، کهنوج، آبادان و خرمشهر سیل تلگراف و نامه روانه مراجع مربوطه شد. در این نامه‌ها تلاش می‌شد تعدیات قوام بزرگنمایی شود؛ مثلاً کسانی که برای کار به آبادان و خرمشهر و دیگر شهرها رفته بودند با اغراقی مشهود علت مهاجرت و آوارگی خود را اقدامات ظالمانه قوام اعلام می‌کردند (کمام. ۶۵/۲/۲۴/۱۷). این اعتراضات در حالی صورت می‌گرفت که بخش زیادی از مردم همچنان از اقتدار قوام در ترس و اضطراب به سر می‌بردند. ریشه‌های این ترس و واهمه به این حقیقت برمی‌گشت که خاندان قوام به‌عنوان مهم‌ترین و قدیمی‌ترین خاندان دیوانسالار

^۲. پرویز حقیقی به نقل از پدرش غلامحسین خان.

^۱. حادثه کنار نخلستان و خنق قدیمی در نزدیکی محله زنگران و در محل پمپ‌بنزین فعلی رخ داد.

چنین مصوبه‌ای داشتند تا سند مالکیت افرادی مثل قوام که به زور و سوءاستفاده از موقعیت خود املاک مردم را ثبت کرده بودند را باطل نمایند (کمام. ۶۵/۲/۲۴/۱۷). اما به دنبال اشغال ایران توسط متفقین و گسترش نفوذ انگلیسی‌ها در جنوب ایران، نزول جایگاه خاندان قوام تا اندازه‌ای جبران شد زیرا آن‌گونه که اشاره شد یکی از ارکان قدرت قوام حمایت انگلیسی‌ها بود که اینک با تسلط انگلیسی‌ها بر جنوب ایران تقویت شد به طوری که ابراهیم قوام در سال ۱۳۲۲ش. به عنوان استاندار فارس انتخاب شد و با اعمال نفوذ او از پنج کاندیدای مجلس چهاردهم استان فارس سه نفر از وابستگان قوام به مجلس راه یافتند و ایل خمسه و لرهای ممسنی با هزار قبضه اسلحه تقویت شدند (آبراهامیان. ۱۳۷۹:۲۴۲). لذا دو رکن دیگر قدرت قوام همچنان پایرجا بود.

از زمان برکناری رضاشاه در شهریور ۱۳۲۰ و گسست پیوند خاندان قوام-پهلوی امید مردم برای رهایی از دست قوام بیشتر شده بود. از این رو یک بار دیگر کشمکش‌ها شروع شد و در اوایل سال ۱۳۲۷ش. شدت بیشتری به خود گرفت. در اردیبهشت این سال عبدالرحمن دانش، داماد مصباح‌زاده و کارمند معادن هرموز با مساعدت ژاندارمری سهم مالکانه قوام از صیفی‌جات را با خشونت جمع‌آوری نمود. خرده‌مالکان از شکنجه و ظلم بیش از اندازه دانش به شدت آزرده شدند. غلامحسین حقیقی، احمد امیری و عده‌ای از دیگر مالکان رودان در اعتراض به این وضع عازم تهران شدند و در نخستین شکایت‌نامه‌ای که در ۱۸ اردیبهشت تنظیم نمودند اعلام کردند: «اخیراً دکتر مصباح‌زاده نماینده مجلس به دستور قوام عده‌ای تفنگچی از طایفه بلوچ طاهرزائی که سوابق آنان محتاج تشریح نیست، به جان و مال و ناموس اهالی رودان مسلط و حمله‌ور شدند که عواید املاک موروثی و اجدادی را به نفع قوام شیرازی غارت نمایند با مأمورین ژاندارم که در مقام جلوگیری برآمدند درگیر شدند و به طرف افسر ژاندارم تیراندازی کردند و دو نفر از اهالی را مجروح کردند» نویسندگان نامه که خود را مهاجرین رودانی نامیده‌اند در

پایان نامه نوشته بودند: «تا مادامی که به حقایق دادخواهی ما رسیدگی نشود از مرکز عدالت شاهنشاهی خارج نخواهیم شد» (ساکما. ۲۹۳/۳۲۰۹). به نظر می‌رسد به تدریج شمار دیگری از مالکان به تهران رسیده باشند با این حال نامه دوم آنان که در ۲۷ اردیبهشت تنظیم شده و رونوشت‌هایی از آن به اکثر مسئولین وقت ارسال شده حاکی از استیصال و سرخوردگی آنان است: «... ناچاریم مراتب دخالت بی‌رحمانه شما را برای ثبت در تاریخ ایران به تمام مقامات عالی و مجمع ملل متفق[!؟] عرضه داریم» (کمام. ۶۵/۲/۲۴/۱۷). با این حال رودانی‌ها تا ماه‌های بعد نیز در تهران ماندند. حضور مهاجرین رودانی در تهران در حالی بود که در این ایام حملات و فشار طاهرزائی‌ها و درگیری‌های مسلحانه امنیت جانی و مالی مردم را به هم زده بود. (کمام. ۶۵/۲/۲۴/۱۷). بنابراین معترضان رودانی در تهران در نامه‌هایی به مراجع مربوطه خواستار حمایت از ژاندارمری رودان و پایان دادن به غارت و ناامنی شدند. (کمام. ۶۵/۲/۲۴/۱۷). از مشاهده مجموع اسناد اخیر می‌توان نکته مهمی دریافت و آن اینکه برخلاف گذشته در این زمان ژاندارمری رودان و میناب دیگر مطیع اوامر قوام نبودند.

مالکین رودان در تهران که شمارشان به ۱۸ نفر رسیده بود در ادامه تلاش برای احقاق حقوقشان در ۲۲ تیر ماه ۱۳۲۷ نامه‌ای به انضمام مجموعه‌ای از اسناد و مدارک تقدیم مجلس شورای ملی کردند. این اسناد شامل نامه‌های اداره مالیه میناب در خصوص پرداخت مالیات توسط مالکین رودانی بود که تاریخ آن‌ها به سال‌های ۱۳۱۱-۱۳۱۳ بازمی‌گشت. آنان امیدوار بودند از طریق این اسناد ادعای مالکیت قوام را به چالش بکشند زیرا آن‌گونه که پیش‌تر اشاره شد قوام اسناد پرداخت مالیات به خود و پدرش را به عنوان بهره مالکانه خود تلقی کرده بود. در میان این مدارک سند مهمی وجود دارد که ادعای مالکیت قوام بر زمین‌های رودان را باطل می‌نماید. این سند شکایت‌نامه اهالی رودان در ۲۲ شهریور ۱۳۱۲ علیه ابراهیم‌خان سدید رودانی است. او از طرف مالیه میناب مباشر یا عامل جمع‌آوری مالیات قسمتی از رودان بوده

ایستادند به همین خاطر مردم خواستار تقویت ژاندارمری رودان بودند. اما اکنون با رویکرد جدید مدیران ژاندارمری، خواستار عدم مداخله در دعوی ملکی خود و قوام شدند.

عملکرد مصباح زاده، نماینده وقت بندرعباس

یکی از عوامل مهم به نتیجه نرسیدن تلاش‌های اولیه رودانی‌ها در برابر قوام از این امر ناشی می‌شد که نمایندگان آنان در مجلس شورای ملی در حداثی سال‌های مورد بحث (۱۳۱۳-۱۳۳۲) یا نقشی منفعلانه داشتند و یا جانب قوام را گرفته بودند. در دوران کشمکش رودانی‌ها و قوام یعنی از زمان شروع در سال ۱۳۱۳ تا پایان حکومت رضاشاه، مشیردوانی نماینده آنان در مجلس شورای ملی بود. در دوره محمدرضاشاه تا پایان ماجرای اختلافات قوام و رودانی‌ها به‌جز دو سال نمایندگی عبدالله گله‌داری در مجلس چهاردهم، بقیه ماجرا در دوران نمایندگی دکتر مصطفی مصباح‌زاده ادامه داشت. در جریان منازعات قوام و رودانی‌ها، سندی دال بر همکاری مشیردوانی و گله‌داری با رودانی‌ها یافت نشد ولی به طرفداری از قوام نیز اقدامی نکردند. اما برخلاف این دو، مصطفی مصباح‌زاده از صندلی مجلس و قلم و نفوذش به نفع قوام استفاده می‌کرد. (ساکما. ۲۹۳/۳۲۰۹) این امر به‌هیچ‌وجه جای تعجب نداشت زیرا پدر دکتر مصطفی مصباح‌زاده پیشکار ابراهیم‌خان قوام‌الملک بود (فردوست، ۱۳۶۹، ج ۱، ۱۳۱). برای درک بیشتر رابطه میان خاندان قوام و مصباح‌زاده باید به جمله ابراهیم‌خان اشاره کرد که گفته بود: «ما نمی‌خواهیم نماینده باشیم ولی نماینده‌ساز هستیم» یا «نماینده تعیین می‌کنیم» و مصباح‌زاده هم مصداق چنین وضعیتی بود. (اتحادی، ۱۳۱۵. مصاحبه، تیر ۱۳۹۳؛ پاکدل، ۱۳۱۵ مصاحبه شهریور ۱۳۹۳). مصباح‌زاده مؤسس روزنامه کیهان (ساکما. ۲۹۷/۰۱۶۷۸۶/۳) در دوره‌های پانزدهم، شانزدهم، هفدهم و بیست‌ویکم نماینده بندرعباس در مجلس شورای ملی بود (شجیعی، ۱۳۸۳: ۴۷۸) با این اوصاف با بررسی اسناد سال‌های ۳۱-۱۳۲۷ جای تعجب ندارد که رودانی‌ها مصباح‌زاده را مهمترین

است. نامه اتهاماتی نظیر اخذ مالیات بی حساب و کتاب، اعمال ظلم و ستم، و غارت مردم از طریق سوءاستفاده از مقام مباشری املاک را متوجه وی نموده است (کمام. ۷۳/۲۳/۹). این سند ثابت می‌کند که رودانی‌ها مالیات خود را مستقیماً به اداره مالیه می‌پرداختند و بنابراین ادعای قوام مبنی بر پیشینه‌دار بودن پرداخت سهم مالکانه رودان به وی ساختگی و باطل بود.

تداوم فشارهای قوام

به موازات تلاش‌های مالکین رودانی برای محکوم ساختن قوام، وی از طریق طرفداران خود کماکان رویه سابق را ادامه می‌داد. طبق یک نامه تلگرافی در ۲۲ آبان ۱۳۲۷ سرگرد پریان که به‌عنوان فرماندهی گردان ژاندارمری بندرعباس منصوب شده بود عازم این شهر شد و به محض ورود به بندرعباس بدون درنگ راهی میناب شد. بعد از ورود به میناب استوار پناهی را به رودان فرستاد تا سهم مالکانه قوام را وصول کند! سهمی که از سیزده سال قبل یعنی سه سال قبل از ثبت رسمی اسناد رودان «... با سرنیزه و قنناق برنو از مشت‌ی تیم و پیرزن» گرفته می‌شد. استوار پناهی با صراحت گفته بود: من آمدم حوادث سال‌های ۱۳۱۷ و ۱۳۱۸ را تجدید کنم. «اولیای معظم کدام سهم مالکانه؟ هنوز بوی خون از قبرهای شهدای راه املاک رودان می‌آید و برای ابد مدرک رودان و رودانی است» در پایان از رئیس مجلس و مسئولین می‌خواهد دستور داده شود مأمورین ژاندارمری بندرعباس و میناب در امور ملکی دخالت نمایند (کمام. ۶۵/۲/۲۴/۱۷). به نظر می‌رسد انتصاب سرگرد پریان به فرماندهی گردان ژاندارمری بندرعباس با تلاش قوام و حمایت نماینده وقت بندرعباس محقق شده بود. در آبان ۱۳۲۷ با این انتصاب، مدیریت ژاندارمری بندرعباس و میناب رویکرد حمایت از قوام را تجدید کرد. (کمام. ۶۵/۲/۲۴/۱۷) تا قبل از انتصاب سرگرد پریان ژاندارمری محل و مردم رودان در یک همگرایی به سر می‌بردند. مثلاً در بهار آن سال ژاندارمری به نفع مردم مداخله کرد و حتی در برابر چریک‌های اعزامی قوام

از سال ۱۳۲۷ تا چند سال بعد اعتراضات و شکایات رودانی‌ها از قوام فروکش کرد. به نظر می‌رسد آنان که از مکاتبات و شکایات خود نتیجه‌ای نگرفته بودند مستأصل و سرخورده کنار کشیده بودند. این وضع تا سال ۱۳۳۱ ش. ادامه داشت تا آنکه در این سال یک‌بار دیگر کاسه صبرشان لبریز شد. به نظر می‌رسد تغییر فضای سیاسی کشور و آغاز جنبش ملی‌شدن صنعت نفت که به کاهش نفوذ انگلستان و دربار کمک کرده بود، در ایجاد انگیزه بین رودانی‌ها تأثیر فراوانی داشت. در اواخر مهر این سال عده‌ای از رودانی‌ها به کهنوج رفته و تلگرافی به رئیس ژاندارمری کل کشور ارسال نمودند و رونوشت‌هایی از آن را به مصباح‌زاده و فروزش (وکیل رودانی‌ها) و نیز مجلس شورای ملی فرستادند. نامه که لحنی تند و توهین‌آمیز نسبت به قوام دارد به‌واسطه توطئه و دخالت او در برکناری و انتقال استوار سلطانی، فرمانده دسته ژاندارمری رودان که حسن سلوک، بی‌آلایش بودن و همدلی او با رودانی‌ها سبب محبوبیتش شده بود، اعتراض داشتند. آن‌ها معتقد بودند که «از بدو ورود او به رودان، توانسته با اینکه منطقه وسیع رودان از سه طرف به بشاگرد بلوچستان متصل و همیشه تیول سارقین نامبرده بوده امنیت را برقرار کند» از دید آن‌ها قوام با برکناری استوار سلطانی در صدد رواج هرج‌ومرج و ایجاد بلوا در منطقه است و با استفاده از مقام سناتوری خود زمینه انتقال استوار سلطانی را فراهم کرده است (کمام. ۱۷/۲۱/۱۷). فروزش، وکیل مالکین رودانی، در نامه‌ای به تاریخ ۲۴ شهریور خطاب به رئیس مجلس بعد از شرح چگونگی ثبت املاک مردم رودان به زور شکنجه و تبعید می‌نویسد: «از موقعی که فشار نظامی کم شده اهالی املاک موروثی خود را متصرف شدند ولی قوام هر ساله اسباب زحمت مردم را فراهم می‌کند به‌خصوص در آغاز زمامداری رزم‌آرا [دوره نخست وزیری رزم‌آرا از تیر ۱۳۲۹

دشمن خود و یکی از مجریان فشار ظالمانه قوام می‌دانستند. در تلگرافی به تاریخ ۱۳۲۷/۸/۲۲ که مخاطب آن مصباح‌زاده است، تندترین انتقادات علیه او مطرح شده است.^۱ رونوشت این تلگراف به همه ادارات مهم، تأثیرگذار و روزنامه‌ها ارسال شده است. در ابتدای این تلگراف دو مبحث مهم را یادآور شده‌اند؛ ۱. سوگند او در روز افتتاح مجلس مبنی به عدم خیانت به ملت و ۲. علم او به غصب املاک خرده‌مالکان توسط قوام، بعد مصباح‌زاده را متهم می‌کنند که «عبدالرحمان دانش داماد خود را وادار نموده که به هر نحو باشد ما را آسوده نگذارد ولی آقای مصباح‌زاده شما تأمل کنید همان غارت محصول سنوی ما و نداشتن بذر سال جاری ما را نابود می‌کند ... نمایندگان مجلس برای وعده وعید از ما بیچارگان سلب آزادی و مالکیت نفرمایند و دستور فرمایند آقای دانش دست از دسایس و اذیت ما بردارد یا اینکه جناب آقای دکتر صراحتاً به ما بیچارگان اعلام دارید که املاک و دسترنج چندین ساله آباء و اجدادی ما به جنابعالی و قوام و دانش تقدیم نماییم و خود و زن و فرزندان معصوم به گدایی مشغول باشیم» (کمام. ۶۵/۲/۲۴/۱۷). در این میان عبدالرحمن فرامرزی، نماینده باسابقه و بانفوذ جنوب، طی این مهر و موم‌ها با وجود مقبولیت و احترام بین اصحاب قلم و سیاستمداران به خاطر رابطه نزدیک با مصباح‌زاده قدمی به نفع رودانی‌ها برداشت، مورد انتقاد بود. گلایه از اقدامات مصباح‌زاده در اردیبهشت ۱۳۲۸ هم ادامه داشت: «آقای مصباح‌زاده میل دارد تا ابد به هر دسیسه و انتریک خود، مالکین ضعیف رودانی را تا ابد تحت رقت و بندگی قوام سوق دهد در مسافرت اخیر خود به بندرعباس، میناب و رودان ... قدرت نمایندگی خود را به ضعف نشان داد» (کمام. ۶۵/۲/۲۴/۱۷). نارضایتی شدید مالکان رودانی از مصباح‌زاده، عدم همدلی و همراهی وی را تأیید می‌کند.

برانگیخت. بودجه آن سال بندرعباس از پول در نظر گرفته شده به کل استان خراسان که بقول نماینده آن: «یک‌پنجم کشور است» بیشتر بود (مشروح مذاکرات مجلس، دوره ۱۵، جلسه ۱۴۱).

۱. مصباح‌زاده در دورانی که نمایندگی شهرستان بندرعباس را به عهده داشت سرمنشأ خدماتی نیز بود که نمی‌توان آن را نادیده گرفت مثلاً در سال ۱۳۲۷ (اوج مناقشه) از نفوذ خود در کمیسیون بودجه استفاده کرد و مبلغ قابل توجهی برای شهرستان گرفت که اعتراض بعضی از نمایندگان را

انگلیسی‌ها بی‌اثر شد. همچنین با استقرار دولت مردمی و ملی‌گرای دکتر مصدق در سال‌های ۳۲-۱۳۳۱ رکن دیگر آن یعنی نفوذ دیوان‌سالاری خاندان نیز -هرچند موقت- فروریخت.

نشانه‌های این افول قدرت بیش از پیش ظاهر می‌شد. در چنین شرایطی نفوذ سابق قوام به‌ویژه در رودان به شدت تضعیف شد و دیگر همچون گذشته نیروهای دولتی و مأمورین نظامی با وی همراهی نمی‌کردند. آخرین بار که عده‌ای از چریک‌هایش طبق معمول برای دریافت سهم مالکانه و به عقیده رودانی‌ها «غارت خرمن‌ها» به رودان آمدند با واکنش سروان ویژه مواجه شدند که تعدادی کشته و زخمی به‌دنبال داشت و به شکست آنان انجامید. (اتحادی، مصاحبه تیر ۱۳۹۳) در همین زمان عده‌ای از رودانی‌ها در تهران و کرمان کماکان اقدامات حقوقی جهت حل مناقشه را پیگیری می‌کردند. زین‌العابدین فروزش از وکلای برجسته دادگستری تهران نیز چندین سال بود که وکالت ملاکین رودان و رودخانه را به‌عهده داشت.

سال ۱۳۳۲ش. خاندان قوام در بدترین و بی‌سابقه‌ترین موقعیت سیاسی قرار داشتند. محمدرضا شاه که در این سال به‌شدت با بحران مشروعیت مردمی روبرو بود به علی قوام توصیه کرد که به این معضل چندین‌ساله پایان دهد و وی نیز پذیرفت. علی قوام یا برادرش محمدرضا به نمایندگی از پدرش وارد بندرعباس شد. زین‌العابدین فروزش هم به وکالت مردم رودان همراه با آنان در یک دفتر اسناد رسمی حاضر شدند. مصالحه‌نامه‌ای به ثبت رسید که طبق آن زمین‌های رودان به نام چند نفر از ملاکین که از این پس متصل‌الحین نامیده شدند واگذار شد و در عوض مبلغی به قوام پرداخت گردید. این مبلغ از دو سه نفر از تجار معروف بندر قرض گرفته شد که با بهره آن مبلغ یک میلیون و دویست هزار تومان شد و اقساط آن توسط تمامی خرده‌مالکین و عمده‌مالکان رودان پرداخت گردید. این درحالی بود که زمین‌های منطقه رودخانه تا مدت‌ها بعد لاینحل باقی ماند (کمام، ۲۱/۲۱/۲۵) و مسئله املاک ثبت‌شده قوام در برخی جاها (مثل روستای برنطین)

تا ۱۶ اسفند ۱۳۲۹ بود] قوام به کرمان و بندرعباس مسافرت و به کمک هرمز احمدی استاندار رزم‌آرا زحماتی برای اهالی ایجاد کردند تا اینکه در حکومت ملی مصدق وضعیت عادی برقرار شد. در چند ماه اخیر قوام به تصور آنکه حکومت مصدق به‌وسیله بیگانگان ساقط خواهد شد در زمان کناره‌گیری مصدق و حکومت سه‌روزه قوام‌السلطنه [اشاره به استعفا ۲۵ تیر مصدق که به‌دنبال قیام ۳۰ تیر، مصدق دوباره روی کار آمد]، قوام‌الملک که در شیراز حضور داشت با کمک افراد خود، موقعیت را مغتنم شمرد» (کمام، ۱۷/۲۱/۱۷). قوام تعدادی تفنگچی به سرپرستی حسنعلی ذوالقدر را به رودان فرستاد که موجب سلب آسایش و امنیت اهالی شدند. از او نیز مثل سهراب کواری خاطرات و ذهنیت بدی در بین اهالی رودان به یادگار ماند. او زمینه تغییر استوار سلطانی رئیس دسته ژاندارمری رودان را فراهم کرد. فروزش خاطر نشان می‌سازد که اقامت ذوالقدر در رودان و جمع‌آوری محصول مردم جنبه شرعی و قانونی ندارد و باعث وقوع حوادث ناگوار خواهد شد چون مردم، دیگر تحمل ظلم قوام را ندارند. او تغییر استوار سلطانی را به تجدید دوران قلدری قوام تعبیر کرده و خواستار ابقای او شده بود (کمام، ۱۷/۲۱/۱۷).

تضعیف جایگاه قوام و ختم مناقشه

آن‌گونه که اشاره شد قوام اگرچه امتیاز نفوذ در دربار را از دست داده بود اما در عوض با حمایت انگلیسی‌ها از قدرت بی‌سابقه‌ای برخوردار شده بود. اما با نزدیک شدن به مسئله ملی‌شدن صنعت نفت و حکم‌فرما شدن فضای ضد انگلیسی بر ایران کم‌کم موقعیت قوام نیز تضعیف می‌شد. آخرین جهش قدرت و نفوذ او در دی‌ماه ۱۳۲۸ بود که دامادش امیر اسدالله علم در کابینه ساعد وزیر کشور شد و بدین ترتیب نفوذ پشت‌پرده رکن دیوان‌سالاری قوام تقویت شد. وضعیت جدید تا پایان حکومت رزم‌آرا، در اسفند ۱۳۲۹ ادامه داشت. با ملی‌شدن صنعت نفت و رشد فضای انگلیسی‌ستیزی در افکار عمومی ایرانیان، عرصه بر انگلیس و طرفدارانش تنگ‌تر شد و اصلی‌ترین رکن قدرت قوام یعنی حمایت

جداگانه حل شد و منطقه رودخانه تا سال‌های بعد مناقشه حل نشده باقی ماند. اما زمین‌های ثبتی منطقه احمدی چندین سال پیش به قیمتی بسیار نازل‌تر خریداری شده بود (حقیقی، مصاحبه فروردین ۹۹؛ اتحادی، شهریور ۹۳). متصالحین رودانی که با قوام به سازش رسیدند عبارت بودند از: محمدرضا حقیقی، احمدشاه امیری، سید نعمت‌الله سجادی، احمد اتحادی، مسعود زینلی، ابراهیم امینی، میرمحمد شفیع معتمدی، حسن نصرتی، حبیب‌الله کریمی، سید احمد شجاعی، رستم فرخ‌نژاد، محمدعلی جعفری و عباس شکرپور (مصالحه‌نامه ۱۳۳۲). این مصالحه در ادبیات امروزی قراردادی بُرد- بُرد محسوب می‌شد زیرا رودانی‌ها توانسته بودند زمین‌های اجدادی خود را پس بگیرند. طرف مقابل هم در ازای واگذاری زمین‌ها مبلغ قابل‌توجهی (نزدیک به یک میلیون تومان) دریافت نماید. مبلغ ۶۸۵ هزارتومن آن را رودانی‌ها در اقساط سه‌ساله تعهد کردند، بپردازند. فراهم کردن مبلغ مورد توافق برای آن زمان کار آسانی نبود و از تجار معتبر بندرعباس قرض گرفته شد. این مبلغ چنان زیاد و تأثیرگذار بود که خارج شدن آن از چرخه تجارت آن سال در مقطعی باعث اخلال در بازار خریدوفروش بندرعباس شد.

نتیجه‌گیری

تسلط به قانون و نهادینه‌بودن کارهای اداری و دیوانی در خاندان قوام به لطف سال‌ها تجربه دیوان‌سالاری در حکومت قاجار و پهلوی سبب شد به‌راحتی مقدمات ثبت زمین‌های زراعی رودان (کل مساحت شهرستان رودان به‌جز جغین و کوه‌ها) توسط ابراهیم‌خان فراهم گردد. آشنایی خاندان قوام با

رودان به زمان حبیب‌الله خان برمی‌گشت و طی مدتی نسبتاً طولانی زمینه لازم را برای تهیه اسناد ضروری جهت تثبیت مالکیت خاندان قوام بر اراضی این منطقه فراهم ساخته بود. با این حال مردم رودان در مقابل ابراهیم‌خان که با پیش‌بینی قبلی مدارک محکمه‌پسندی آماده کرده بود، مقاومت نمودند. قوام با استفاده از منابع قدرت خود مانند نفوذ در دوائر دولتی و کمک‌گرفتن از مقامات و افراد متنفذ به تلاش خود ادامه داد و زمینه انتخاب مصباح‌زاده را به‌عنوان نماینده در مجلس شورای ملی فراهم ساخت. درحالی‌که به نظر می‌رسید قوام با برخورداری از روابط خود در دربار و حمایت انگلیسی‌ها هرگونه روزنه امید به موفقیت را برای رودانی‌ها از بین برده است، آنان از تلاش بازنیستادند و در بندرعباس و تهران به مقاومت خود ادامه دادند. به‌دنبال سقوط رضاشاه اگرچه نفوذ قوام در دربار پهلوی تا اندازه زیادی کاهش یافت، اما حمایت انگلیسی‌ها از وی ادامه داشت و به وی امکان اعمال نفوذ را می‌داد. ولی چندی بعد فضای ضد انگلیسی حاکم بر ایران که با ملی‌شدن نفت و قدرت‌گیری مصدق شروع شد و به کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ ختم شد، شرایط را برای قوام سخت کرد. از طرفی حمایت از این چهره طرفدار انگلیس برای شاه دشوار شد. بنابراین شاه که با بحران محبوبیت مردمی روبرو بود، از قوام خواست با رودانی‌ها سازش کند. قوام هم که اهرم‌های قدرت گذشته را از دست داده بود، تصمیم به مصالحه گرفت؛ هرچند در عوض این مصالحه مبلغ گزاف یک میلیون تومان دریافت کرد که در آن زمان رقمی قابل‌توجه بود. نوشتار حاضر نشان داد دگرگونی در منابع قدرتی که به قوام اجازه اعمال نفوذ را می‌بخشید، زمینه تضعیف جایگاه وی و مصالحه با مالکان رودانی را فراهم نمود.

منابع

- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما)، ۲۹۳/۳۲۰۹؛ ۲۹۷/۱۶۷۸۶/۳؛ ۲۹۳/۲۰۴/۲؛ ۲۹۳/۲۰۴/۳۰۵.
- کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس (کمام)
- ۲۹۳ / ۲۰۴/۲ ؛ ۲۲/۷۲/۲۳/۹ ؛ ۱۹۴/۱۳/۲/۹ ؛ ۲۱/۶۲/۲۴/۱۱ ؛ ۰۲/۳۲/۳۵/۱۳ ؛ ۷۳/۳۴/۱۳ ؛ ۳۳/۳۲/۱۳ ؛ ۲۰۳/۳۵ /۱۴ ؛ ۱۷/۱/۲۱/۱۷ ؛ ۰۲/۳۲/۳۵/۱۳ ؛ ۵۷/۹/۲/۶ ؛ ۵۷/۹/۲/۶ ؛ ۵۷/۹/۲/۶ ص ۹.
- مشروح مذاکرات مجلس، دوره ۵، جلسه ۸
- مشروح مذاکرات مجلس، دوره ۶، جلسه ۳.
- مشروح مذاکرات مجلس، دوره ۷، جلسه ۳.
- مشروح مذاکرات مجلس دوره ۸، جلسه ۳۵.
- مشروح مذاکرات مجلس، دوره ۹، جلسه ۲.
- مشروح مذاکرات مجلس، دوره ۱۱، جلسه ۲۰.

- مشروح مذاکرات مجلس، دوره ۱۱، جلسه ۲۱.
- مشروح مذاکرات مجلس، دوره ۱۵، جلسه ۱۴۱.
- کتاب**
- آبراهامیان، یرواند. (۱۳۷۹). *ایران بین دو انقلاب*. ترجمه احمد گل محمدی و محمدابراهیم فتاحی و لیلایی. تهران: نشر نی.
- آبراهامیان، ارواند. (۱۳۹۰). *ایران نوین*. ترجمه شهریار خواجهیان. تهران: نشر دات.
- آوری، پیتر (۱۳۶۰). *تاریخ معاصر ایران*. ترجمه محمد رفیعی مهرآبادی. جلد دوم. چاپ اول. تهران: موسسه مطبوعاتی عطایی.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان (۱۳۶۳). *چهل سال تاریخ ایران در دوره پادشاهی ناصرالدین شاه: المآثر والآثار*. به کوشش ایرج افشار. جلد ۱. تهران: انتشارات اساطیر. (نسخه pdf. مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم انسانی)
- بروگش، هینریش (۱۳۶۷). *سفری به دربار صاحبقران*. ترجمه محمدحسین کردیچه. جلد ۲. چاپ اول. تهران: انتشارات اطلاعات.
- خورموجی، محمدجعفر (۱۳۴۵). *تاریخ قاجار: حقایق الاخبار ناصری، ج ۲*، به کوشش حسین خدیوچم، تهران: زورار.
- ساسانی، خان ملک (۱۳۳۸). *سیاستگران دوره قاجار*. تهران: انتشارات بابک با همکاری انتشارات هدایت.
- سدیدالسلطنه، محمدعلی (۱۳۶۲). *سفرنامه سدیدالسلطنه (التذقیق فی سیرالطریق)*. تصحیح و تحشیه احمد اقتداری. تهران: انتشارات بهمن شیر.
- شجیعی، زهرا (۱۳۸۳). *نخبگان سیاسی ایران*. ج ۴؛ نمایندگان مجلس شورای ملی، تهران: نشر سخن.
- فردوست، حسین. (۱۳۶۹). *ظهور و سقوط سلطنت پهلوی*. ج اول. جستارهایی از تاریخ معاصر ایران، تهران: انتشارات اطلاعات.
- فسایی، حاج میرزا حسن، *فارسانه ناصری*، تصحیح منصور رستگار فسایی، جلد ۲. تهران: امیرکبیر.
- فوران، جان (۱۳۸۷). *مقاومت شکننده: تاریخ تحولات اجتماعی ایران*. ترجمه احمد تدین. چاپ دوم. تهران: موسسه خدمات فرهنگی رسا.
- مستوفی، عبدالله (۱۳۲۲). *تاریخ اداری و اجتماعی دوره قاجار یا شرح زندگانی من*. جلد اول. چاپ اول. تهران: وزارت کشور؛ آمار عمومی (۱۳۴۰). گزارش خلاصه سرشماری عمومی کشور در آبان ماه ۱۳۳۵. جلد دوم. تهران: وزارت کشور؛ آمار عمومی.
- مقاله**
- رنجبر، محمدعلی. کشاورز، هادی. «کنشگری نخبگان محلی در حکمرانی فارس؛ نمونه پژوهی: خاندان مشیرالملک (۱۱۷۷-۱۲۹۳ق)». *پژوهش‌های علوم تاریخی*. سال ۱۰، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۷. صص ۵۹ تا ۷۸.
- شهباز، گیتی. «نگاهی دیگر: من مأمور انگلیس در ایران بودم؛ یادمانده‌های عبدالله گله‌داری و نقش وی به‌عنوان روابط میان دولت‌های ایران و انگلیس». *تاریخ معاصر ایران*. س ۲، شماره ۷، پاییز ۱۳۷۷. صص ۳۴۲-۳۳۱.
- فروزانی، ابوالقاسم. «چند سند تاریخی درباره کشمکش‌های حبیب‌الله قوام و اسماعیل‌خان صولت الدوله». *فصلنامه علمی-پژوهشی علوم انسانی دانشگاه الزهراء (س)*. سال ۱۵، شماره ۵۳، بهار ۱۳۸۴. صص ۱۴۱-۱۲۱.
- مصاحبه**
- اتحادی، حسین. (متولد ۱۳۱۵). مصاحبه (تیر ۱۳۹۳). رودان.
- پاکدل، محمدحسین. (متولد ۱۳۱۱). مصاحبه. (شهریور ۱۳۹۳). رودان.
- حقیقی، پرویز (متولد ۱۳۲۴). مصاحبه. (فروردین ۱۳۹۹). رودان.
- شکرپور، عیسی. (متولد ۱۳۰۹). مصاحبه. (تیر ۱۳۹۹). رودان.